

رانت خواهی و فساد مالی در اقتصاد ایران با

توجه به نقش و جایگاه کارگزاران و

بیت المال در اسلام

علی یوسفی نژاد

عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

رانت خواهی یا به عبارتی فساد مالی پیشینه‌ای تاریخی به قدمت تشکیل دولت هر کشور دارد. در کشور ما نیز با حاکم شدن دولتمردان فاسد در رأس دستگاه‌های دولتی، این مسئله از دامنه گسترده‌ای برخوردار گردید. به خصوص در دوران حکومت خاندان قاجار و سپس پهلوی در تار و بود دربار شاه و اطرافیان وی به گونه‌ای رسوخ کرد که مقام و مسئولیت مورد خرید و فروش قرار می‌گرفت.

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری مصلحی دلسوز یعنی امام خمینی (ره) فساد مالی و اقتصادی و بهره‌مندی از موقعیت‌های ممتاز سیاسی و اقتصادی توسط دولتمردان، به طور کلی منسوخ و مورد تنفر آحاد ملت قرار گرفت.

موضوع بازسازی اقتصادی و اعمال سیاست‌های جدید اقتصادی از دهه دوم انقلاب، زمینه برای تغییر نگرش‌ها و انتفاع از موقعیت‌های سیاسی - اقتصادی، برای برخی از افراد فراهم آمد تا از طریق انواع رانت‌های موجود به سوء استفاده از امکانات عمومی پرداخته و به سمت زندگی اشرافی، گرایش یابند.

در حالی که در یک حکومت دینی پذیرفتن هرگونه مسئولیتی به مثابه انجام «تکلیفی» است که خداوند بر عهده افراد قرار داده، «حق» دانستن آن موجب گمراهی و فساد حکومت است.

همچنان که در حکومت حضرت علی (علیه السلام) این موضوع به خوبی قابل توجه است که از مناصب سیاسی و یا اجتماعی و همین طور اقتصادی، سوء استفاده نشود. کارگزاران حکومت در جمهوری اسلامی ایران بایستی با الگو قرار دادن رفتارهای آن حضرت به گونه‌ای رفتار نمایند که زمینه برای پیدایی رانت و سوء استفاده‌های مختلف اقتصادی فراهم نشود.

کلید واژه‌ها: رانت خواهی، فساد مالی، اشرافی‌گری، کارگزاران حکومت، بیت‌المال، حق و تکلیف.

مقدمه

فساد مالی و سوءاستفاده از موقعیت‌های سیاسی - اقتصادی یکی از عوامل تشکیل دهنده عقب ماندگی از روند توسعه اقتصادی محسوب می‌شود. زیرا که این عامل می‌تواند در تضاد با منافع اکثریت افراد جامعه قرار گرفته و موجب بی‌انگیزگی در نیروهای مولد جامعه شود. از طرف دیگر باعث به هدر رفتن و هرزروی منابع اقتصادی و فرار سرمایه‌ها شده، استقلال اقتصادی را به مخاطره انداخته و نارضایتی عمومی را به دنبال داشته باشد. اوضاع اقتصادی ناشی از وقوع جنگ تحمیلی در کشورمان یکی از عوامل مؤثر در فراهم شدن موقعیت طلایی برای عناصر فرصت‌طلبی شد که با پایان جنگ و در مرحله بازسازی خرابی‌های ناشی از آن، فرصت را غنیمت شمرده و با سوءاستفاده از موقعیت‌های به دست آمده به چپاول اموال و ثروت‌های عمومی پرداختند.

ترکیب این پدیده با پدیده دیگری نظیر رانت‌خواهی اقتصادی موجب پیدایش وضعیتی در فضای سیاسی - اجتماعی کشور گردید که از آن به عنوان یک «بلیه عمومی» می‌توان نام برد. ضمن اینکه یکی از دلایل بروز پدیده فساد اقتصادی، سوءاستفاده از موقعیت‌های به دست آمده توسط افراد جامعه می‌باشد، همین‌طور در ایجاد رانت نیز سوءاستفاده‌های افراد از موقعیت به دست آمده و در نتیجه اضافه دریافت آنان از امکانات موجود تلقی می‌شود به همین سبب این دو واژه در این بررسی با تعریفی یکسان به کار گرفته می‌شود و آن هم به معنای شکستن نظم حاکم بر روابط سیاسی - اقتصادی جامعه و بروز رفتاری غیر اخلاقی و خلاف قانون و مقررات است.

بی تردید مبارزه با این پدیده نیازمند شناخت وسیع و عمیق از آن، موشکافی دقیق در جهت بررسی آثار و پیامدهای آن و همچنین ارائه راه حل مناسب برای پیشگیری و انتشار بیشتر آن در سطح جامعه می‌باشد.

از آنجایی که نظام سیاسی حاکم بر کشورمان اسلامی و مدعی پیروی از مکتب تعالی بخش اسلام است، به همین سبب در این مقاله تلاش می‌شود تا ضمن بررسی موضوع رانت خواری در اقتصاد ایران به معرفی الگوهای رفتاری معصومین (علیهم السلام) و بویژه رفتار امیرمؤمنان حضرت علی (علیه السلام) به هنگام اداره جامعه اسلامی پردازیم.

رانت چیست؟

این واژه در زبان انگلیسی و فرانسه معانی مختلفی دارد اما در مفهوم اقتصادی Rent، اضافه عایدی است که از یک عامل تولید به دست می‌آید. این واژه در فرانسه و در قرن هیجدهم میلادی و تحت تأثیر معنای انگلیسی معادل Fermage یا اجاره‌بهای زمین کشاورزی و سپس در معنای محدودتر و در فرهنگ لغات انگلیسی به عنوان Rent و برای تعیین میزان «عایدی مرغوبیت زمین» علاوه بر تأدیه هزینه‌ها و بهره سرمایه به کار رفته است.

این نظریه یعنی «عایدی مرغوبیت زمین» نخستین بار توسط اقتصاددان شهیر انگلیسی یعنی آدام اسمیت و در قرن نوزدهم میلادی مطرح و آن گاه توسط اقتصاددانان دیگری نظیر مالتوس و ریکاردو بسط و گسترش یافت و نهایتاً به ایده «اضافه عایدی زمین» عینیت یافت.

این ایده به این نکته اشاره دارد و آن نابرابری ناشی از حاصل خیزی زمین های کشاورزی و بروز پدیده معروف به «قانون بازده نزولی»^۱ می باشد.

استدلال اقامه شده درخصوص اضافه عایدی زمین مرغوب تر کم کم به مجموع عوامل تولید تعمیم داده شد و رانت به معنای اضافه عایدی ناشی از خصوصیت کشش ناپذیری عرضه نسبت به تقاضا، وارد زبان و ادبیات انگلیسی شد.

واژه رانت خواهی و یا رانت خواری نیز از تعریف فوق اخذ شده و در ارتباطات جمعی مورد استفاده قرار گرفته است. در واقع این واژه همان گونه که اشاره شد اصطلاحی اقتصادی است برای انباشت ارزش افزوده و یا بهایی فراتر از نیاز برای تأمین و پرداخت به عوامل تولید.

اما در فرهنگ اداری و اجرایی کشورمان از واژه رانت، یک نوع امتیازدهی به افراد خاص تعبیر و تفسیر می شود. به عبارت دیگر هرگونه انتفاع و بهره مندی از امکانات و اختیارات بخش دولتی توسط افراد مرتبط و غیرمرتبط به عنوان نوعی رانت تلقی می گردد. به عبارتی بهره برداری های گروهی خاص از منابع و اموال عمومی تحت عناوین مختلف دولتی و یا عناوینی وابسته به مقامات دولتی.

ریشه های تاریخی فساد اقتصادی و رانت خواهی در ایران

از نظر تاریخی تشکیل دولت - ملت و سپس دولت - کشور زمینه ساز شکل گیری پدیده رانت خواهی و ایجاد فسادهای اداری و اقتصادی است. زیرا که کانون های قدرتمند اقتصادی زمینه ساز شکل گیری کانون های قدرت سیاسی شده و اتحاد و تباری این دو نیز به وجود آورنده بستر مناسب برای هرگونه تخلفات مالی و اقتصادی و استفاده کنندگان از رانت های مختلف می شود. به عبارت ساده تر

شکل‌گیری هرگونه قدرت سیاسی در قالب دستگاه دیوانسالار دولتی می‌تواند منشأ بسیاری از انحراف‌ها و فسادها شود.

این موضوع درخصوص کشورمان نیز مصداق داشته و برخی از مورخان با نقل مطالبی درخصوص چگونگی درخواست فرمانروایان از مردم است. والیان و استانداران مانند وزرا مردمی متجاوز و زورگو بودند، همین که حاکم و یا استانداری به محل مأموریت خود می‌رفت، اول چیزی که از مردم توقع داشت «هدیه ورود» و یا «چشم‌روشنی» بود که مردم بدبخت می‌بایست پول، پارچه، اسب، استر و غیره به مقدار زیادی تقدیم می‌کردند.

این گونه رفتارها و طمع‌ورزی حکام در تاریخ کشورمان بسیار نقل شده و باعث گردیده تا درباریان و وابستگان به آنها برای انجام هرگونه وظیفه‌ای صرفاً با دریافت مبالغی وجه از اشخاص، حاضر به انجام آن شوند. ضمن اینکه فساد چنان عمومیت یافت و مجاز شمرده می‌شد که تمام مقامات کشوری و لشکری از بالا تا پایین را دربر می‌گرفت.

در طول قرون متمادی این موضوع معمول و متداول بود، چنان که از زمان امویان هرگاه سلاطین به پول نیاز پیدا می‌کردند، ایالت‌ها و ولایت‌ها را در مقابل پیشکش، می‌فروختند.

در عهد عباسیان نیز مدت وزارت هر وزیری یک یا دو سال بود و همین که عزل می‌شد یا استعفاء می‌نمود، میلیون‌ها دینار املاک و مستغلات فراهم ساخته بود، البته این پول‌ها به طور عادی جمع نمی‌شد، بلکه به این ترتیب بود که وزیر هیچ کس را به هیچ کاری نمی‌گماشت مگر اینکه پیشکشی نقدی به نام موافق الوزراء از وی می‌گرفت و این حق و حساب‌ها غالباً به صورت خجالت‌آوری وصول می‌شد. اعمال شرم‌آور و زشت زمامداران عباسی درخصوص سوءاستفاده از موقعیت‌های به دست

آمده باعث اعتراضات گسترده‌ای گشت که سرانجام دستگاه خلافت بر اثر فساد، تباهی و سوء سیاست به دست مغولان برچیده شد. نظیر همین اتفاق برای حکمرانان غزنوی به وقوع پیوست و موجب شکست آخرین پادشاه حکومت از دست ترکان گشت.

این گونه مسائل در دوران حکومت پادشاهان بعدی از جمله در دوره حکومت صفویه و قاجاریه نیز ادامه داشت، بخصوص در زمان حاکمیت شاهان قاجار که به علت بی‌کفایتی آنان به اوج خود رسید و فساد و ارتشاء در تمام زوایای زندگی حکام بی‌لیاقت و عوامل خودفروخته آنان، رسوخ کرد.

در عصر پهلوی نیز این فرهنگ منحط توسط شخص شاه، درباریان و سایر وابستگان به شدت دنبال و با افزوده شدن درآمد نفت و سرازیر شدن آن به سوی کشورهای نفت خیز از جمله ایران، باعث مساعدت بیشتر فضای اقتصادی برای رانت‌خواری و فساد^۱ گردید. وضعیت به گونه‌ای بود که شخص شاه در هر معامله خارجی بخصوص معاملات مربوط به خرید سلاح از شرکت‌های آمریکایی، حق و حساب می‌گرفت.

زمینه بروز فساد و رانت پس از انقلاب اسلامی ایران

در سال‌های شروع نهضت و با اوج‌گیری آن در سال ۱۳۵۷، مفاسد اقتصادی و سوءاستفاده از موقعیت‌های دولتی به حداقل رسید. زیرا که مردم به دلیل فضای اسلامی و انقلابی ایجاد شده و حضور مصلحی متعهد، و برای ابراز نفرت از حکام جور و رفتارهای خلاف آنان به عصیان و انقلاب برخاسته و با ظواهر طاغوت و

رفتارهای ناپسند شاهان و سرسپردگان آنان مخالفت نموده و برای رسیدن به اهداف خویش حاضر به ایثار جان و مال نیز شدند.

اما گذشت زمان و با کاهش شور و نشاط انقلابی در جامعه و از طرفی نیز فشارهای اقتصادی و افزایش روزافزون قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید حقوق‌بگیران و فقدان یک سیاست اقتصادی مدبرانه باعث گردید تا انحراف‌ها و لغزش‌های خفته در تاریخ چند صد ساله کشور به مرور سربرافراشته و نهایتاً در دوران بازسازی اقتصادی و سپس دوران گذار به سرعت و با شدت هر چه بیشتر خود را نشان داده و باعث نگرانی آحاد جامعه و دلسوزان به انقلاب و کشور شود.

ضمن این که به واسطه حضور فرصت‌طلبان و کسانی که به طرق مختلف علی‌رغم نداشتن توان علمی و مدیریتی قوی با لطایف الحیلی خود را به بدنه کارشناسی و سپس تصمیم‌گیری نظام اقتصادی جامعه تحمیل نموده و همراه با آن انبوه مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌های اقتصادی امریکا و به دنبال آن وقوع جنگ تحمیلی، فشار مضاعفی را به نظام سیاسی - اقتصادی کشور وارد کرد.

فقدان یک تفکر مدون و منسجم ناشی از نظام اقتصادی مورد انتظار که به طور طبیعی باید با گرایش‌های اسلامی همراه بوده باشد نهایتاً باعث تشدید معضلاتی گردید که با عدم توجه به منافع ملی و تقدم منافع جناحی، زمینه بروز جریان‌ات قدرت طلب و سوءاستفاده‌کننده از قدرت سیاسی را فراهم ساخت.

بدیهی است که با تسلط این نوع گرایش فکری و در نوع شدت یافته آن یعنی آفت خطرناک اشرفیت^۱ - علی‌رغم اینکه در دهه اول انقلاب کسی جرأت بروز آن را نداشت - شروع به خودنمایی و در مدتی کوتاه بستر رشد آن فراهم شد و علی‌رغم خواست رهبران اصلی نظام و مبرا بودن آنان، فضای ناخواسته‌ای شکل

گرفت که در آن خصلت‌های اشرافی‌گری به راحتی احساس گردید. خطر اصلی در این پدیده نامیمون، نگرش مثبت گرایانه‌ای بود که آن را لازمه توسعه و بلکه محرک آن می‌دانست و در نتیجه هم نظام دینی و هم تئوری‌های علمی هر دو طعمه این پدیده خطرناک شدند. نتیجه طبیعی این گونه گرایش‌ها بروز و ظهور تفکری گردید که علی‌رغم داشتن سوابق انقلابی و مذهبی به سمت رفاه‌طلبی گرایش یافته و در نتیجه زمینه لازم برای سوءاستفاده از موقعیت‌های شغلی برای اشخاص فرصت طلب فراهم گردید.

انواع رانت^(۱)

رانت را با توجه به منشأ پیدایش آن می‌توان در پنج عنوان مورد بحث و بررسی قرار داد.

۱- رانت اقتصادی

این نوع از رانت که بیشتر از سایر عناوین مورد توجه جامعه قرار می‌گیرد با درآمدهای بادآورده و بدون تلاش و زحمت مترادف است به هر نوع عایدی ناشی از ثابت بودن عرضه یک عامل تولید (اعم از کار و سرمایه) اطلاق می‌شود.

رانت اقتصادی، نیروی انسانی و منابع را به خود اختصاص می‌دهد و درآمدها را پایین می‌آورد. هزینه تحمیل شده از طریق رانت اقتصادی باعث تضعیف انگیزه تولید و کاهش درآمدها می‌شود. افراد با استعداد و مولد به سوی کسب رانت رفته و پیشرفت و رشد فناوری آسیب می‌بیند.

۲- رانت سیاسی

کسب مناسبات سیاسی در کشورهای مختلف بویژه در کشورهای در حال توسعه از شرایط خاصی برخوردار است. عدم حاکمیت شایسته سالاری در جهت ارتقاء مناسب باعث می شود تا خبرگان و زبندگان همواره از صحنه های تصمیم گیری به دور مانده و فقدان ضابطه مندی، شرایط را برای افرادی که به دنبال کسب قدرت از هر طریق ممکن از جمله تبانی گرایان و زد و بندهای رایج می باشند، فراهم می نماید. نتیجه چنین فرایندی باعث می شود تا استعدادها فرصت بروز نیابند و علی رغم شایستگی به انزوای طلبی روی آورده و شرایط را برای جولان کوتوله های سیاسی^(۲) مهیا گردد. بدیهی است که رانت سیاسی موجب از دست رفتن فرصت های مناسبی می شود که برای یک کشور و ملت فراهم می گردد.

۳- رانت قضایی

در جهان سوم، نهاد قدرت دولتی از رانت قضایی برخوردار است، زیرا که تخلفات در محاکم اختصاصی رسیدگی می شود. این رانت در موارد عدیده سبب شده تا به هنگام اصطکاک منافع میان مردم و نهاد دولت، حقوق بخش مردمی خدشه دار شود.

بر اساس یک اصل، به موارد نقض قانون نه بر اساس نوع آن، بلکه بر اساس مرجع انجام دهنده آن رسیدگی می شود. اگر از دیدگاه نظری بپذیریم که تخلف، تخلف است و بین حاکمان و مردم در این زمینه هیچ تفاوتی وجود ندارد و مردم با دولت مردان (یا وابستگان به آنها) در ازای تخلف باید یکسان مجازات شوند. حذف رانت قضایی برای نهاد دولت علاوه بر ایجاد امنیت بیشتر برای بخش خصوصی، زمینه لازم برای کاهش فساد در نهاد دولت را فراهم می سازد.

دلایل بروز رانت‌خواهی در اقتصاد ایران

بررسی آمارها و ارقام اقتصادی و بودجه‌ای نشان می‌دهد که قریب به هشتاد درصد فعالیت‌های اقتصادی در دست دولت بوده و این مسئله خود باعث بروز مشکلات عدیده‌ای در اداره کشور شده است، از جمله این مشکلات، بروز ناهنجاری‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد. علاوه بر معضل فوق، ویژگی دیگر یعنی وابسته بودن منابع بوجه‌ای کشور به درآمد سرشار نفت شرایط منحصر به فردی را برای اقتصاد کشور فراهم ساخته که باعث بروز پدیده رانت‌خواهی در ساختار اقتصادی کشور شده است.

پدیده رانت‌خواهی را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرار داد یکی دیدگاهی که صرفاً اقتصادی است و دیگری نوع نگاهی است که کارگزاران حکومت به فرصت‌های بدست آمده ناشی از موقعیت‌های سیاسی بعنوان یک موقعیت ممتاز برای بهره‌وری شخصی تلقی می‌کنند.

بنابراین ابتدا به بیان دلایل و عوامل اقتصادی این پدیده پرداخته و سپس به توضیح مفصل‌تری از نگاه نوع دوم می‌پردازیم.

الف: دلایل اقتصادی بروز رانت در اقتصاد ایران

۱- از مهم‌ترین عوامل به وجود آورنده شرایط مساعد برای رانت‌خواهی، وجود ارز سوسید دار در کشور می‌باشد. کسب میلیاردها دلار ارز ناشی از فروش نفت و تزریق آن به اقتصاد در تشدید این شرایط بسیار مؤثر بوده است. البته وجود ارز برای رشد و توسعه هر اقتصادی شرط لازم و ضروری است، اما کافی نیست زیرا که چگونگی استفاده از آن می‌تواند باعث رشد و یا عدم رشد اقتصادی شود. توزیع ارز یارانه‌ای در بخشهای مختلف اقتصاد کشور موجب شکل‌گیری کانون‌های فساد شده و زمینه برای شکل‌گیری سوءاستفاده‌های کلان فراهم می‌شود. بنابراین توزیع

نامناسب ارزش حاصل از فروش منابع ملی موجب شده تا شرایط برای کسانی که به دنبال کسب موقعیت مناسبی می‌باشند، فراهم تا از ما به التفاوت نرخ ارزش حداکثر استفاده را ببرند.^(۳)

۲- از دیگر عوامل پدید آورنده اقتصاد رانتی، وجود اختلاف زیاد بین نرخ سود بانکی و نرخ تورم می‌باشد. این موضوع باعث می‌گردد تا هرگونه دریافت وام از سیستم بانکی توسط افراد به منزله دریافت وام یارانه‌ای تلقی گردد. زیرا که بالا بودن نرخ تورم و اختلاف زیاد آن با نرخ سود بانکی، هر دریافت کننده‌ای، بویژه در ارقام بسیار بالا را با سود بادآورده‌ای مواجه می‌سازد. بدیهی است که وجود این گونه شرایط، رانت‌خواران و فرصت‌طلبان را به سوی خود جلب نموده و کانون فساد را در محیط‌های بانکی ایجاد می‌نماید.

۳- یکی از فرصت‌های طلایی برای رانت‌خواری، وجود شرکت‌های زیان‌ده دولتی می‌باشد. از آنجایی که با پیروزی انقلاب اسلامی اکثر فعالیت‌های تولیدی و تجاری در اختیار دولت قرار گرفته و به تبع آن شرکت‌های متعددی تشکیل و یا بازسازی شده‌اند. از طرفی عدم تجربه کافی مدیران و بعضاً نداشتن تخصص لازم در امر مدیریت اقتصادی بنگاه‌ها، باعث گردید تا اکثر این گونه شرکت‌ها با زیان‌های مالی مواجه شوند.

وجود درآمد نفتی و تزریق آن به بودجه سالیانه کشور باعث گردید تا راحت‌ترین راه یعنی کمک مالی جهت سرپا نگهداشتن این گونه شرکت‌ها، برگزیده شود. نتیجه این عمل فراهم شدن موقعیت و فرصت مناسب برای مدیران نالایقی شد که به جای تلاش بیشتر و استفاده از افراد متخصص و دلسوز، با دریافت کمک‌های ارزی و ریالی به حیف و میل اموال عمومی پرداخته و به لطف رانت ایجاد شده طیف وسیعی از مدیران دولتی و افراد مرتبط به امکانات زیادی دست یابند.

ضمن اینکه با تغییر سیاست دولت در جهت واگذار نمودن شرکت‌های فوق به بخش خصوصی، فرصت جدیدی برای رانت‌خواران ایجاد نمود و آن هم از طریق ظاهرسازی در جهت واگذار نمودن مالکیت اموالی که بدست نالایق مدیرانی که آن شرکت‌ها را به ورشکستگی کشانده و حال مدعی مالکیت آن و نجات دادن اقتصاد ملی از ورطه سقوط شده‌اند.

۴- رانت اطلاعاتی نیز از دیگر دلایلی است که در پدید آمدن اقتصاد رانتهایی بسیار مؤثر می‌باشد. از آنجایی که صاحب منصبان و افراد دارای مسئولیت در مراکز تصمیم‌گیری اقتصادی می‌توانند از کلیه اطلاعات مالی و معاملاتی مراکز اقتصادی نظیر شرکت‌های بزرگ تولیدی و خدماتی بهره‌مند شده و در نتیجه آینده را به سهولت پیش‌بینی نمایند، به همین سبب این گونه افراد و یا افراد منتسب به آنان می‌توانند با سوءاستفاده از اطلاعات موجود به خرید یا فروش سهام، املاک و یا هر سرمایه دیگری دست زده با افراد صاحب سرمایه به انتقال اطلاعات مهم اقتصادی پرداخته و با فروش آن به ثروت بادآورده دست یابند.

۵- فقدان شفافیت قوانین و مقررات مالی - اقتصادی و همین‌طور عدم ثبات قوانین موجود و انبوه مقررات دست و پاگیر و بعضاً وضع قوانین و مقررات ناگهانی و گاه مصلحتی برای آزادسازی اقتصادی و یا ممنوع‌سازی و بعضاً توزیع یا عدم توزیع یک کالای حیاتی، فروش و یا عدم فروش ارز و ... شرایطی ایجاد نمود که بهترین موقعیت را برای فرصت‌طلبان فراهم ساخت. در واقع مشابه دانستن مسائل و معضلات اقتصادی هم چون مسائل فیزیک و شیمی و حل نمودن آنها از طریق آزمون و خطا باعث گردیده تا زمینه برای افراد فرصت‌طلب فراهم شده و از موقعیت‌های بادآورده حداکثر استفاده را بنمایند.

ب- توجیحات نادرست و خطاهای ناشی از آن در بروز رانت اقتصادی از دیگر دلایل بروز فساد اقتصادی و به دنبال آن فراهم شدن شرایط برای رانت خواهی، دلایل انسانی و خطاهای ناشی از نحوه تفکرات حاکم بر مدیران و مجریان در سطوح مختلف حکومتی است. تا هنگامی که نگرش و جهان بینی متولیان و مسئولان امور از موضوع تکلیف گرایی و وظیفه دانستن خدمت به خلق به سمت تفکری که استفاده از امکانات و مواهب در اختیار را حق خود دانسته و به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر به توجیه آن می پردازد در این صورت هرگونه پیامد ناهنجاری، نظیر رانت خواری ناشی از این نوع نگرش، قابل پیش بینی است.

در حالی که از منظر دین و نگاه رهبران دینی، قبول هرگونه مسئولیتی در حکومت دینی به منزله امانتی است که به برخی از افراد جامعه واگذار شده تا با تکلیف دانستن آن و بدون هیچ گونه چشم داشتی و صرفاً با نیت خدمت به خلق، به گشایش امور پردازند. اما از نگاهی دیگر، قبول هرگونه مسئولیتی به منزله سپردن «حق استفاده ای» است که به آنها رسیده و می بایستی به بهترین وجه از آن استفاده نمایند. این گونه تفکر در نهایت به سوءاستفاده از موقعیت های به دست آمده منجر و فرصت های بی شماری را برای صاحبان مسئولیت و اطرافیان آنان برای انباشت ثروت فراهم می نماید. نگاه نوع اخیر به مسئولیت ها علاوه بر مطرود بودن آن از جانب دین، از منظر دموکراسی غیردینی نیز محکوم شده است. زیرا که این گونه نگاه به حکومت حاصل نظام های توتالیتر و استبدادی است که در تقابل با خواست و اراده مردم قرار گرفته و خود را مکلف به هیچ تکلیف و یا قانونی ندانسته و صرفاً رأی و نظر خود را محق بر جامعه پنداشته و به انفعاع از هرگونه مسئولیت سیاسی و یا غیر آن می پردازد.

از آنجایی که عامل فوق یکی از مهم ترین عوامل به وجود آورنده فساد و در نهایت رانت در اقتصاد ایران می باشد، به همین سبب در این مقاله تلاش می گردد تا بیشتر مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

حق و تکلیف

حق، گونه ای سلطه است که دارنده آن برطرف دیگر (من علیه الحق) ایجاب تعهد می کند. حق همیشه منشأ تکلیف است و فرق میان آن دو در این است که حق، اصل سلطه است و تکلیف اعمال و وظایف متفرع بر آن. (معرفت، ۱۳۷۵: ۸۳)

در حقوق متقابل، همان گونه که حق منشأ تکلیف است، همواره قرین تعهد نیز می باشد. لذا اگر کسی، حقی بر دیگری دارد، متقابلاً باید خود متعهد باشد تا وظایف برخاسته از حق را که بر عهده دارد کاملاً رعایت کند لذا حق و تعهد و تکلیف هر سه متلازم یکدیگرند.

اصولاً در حیات اجتماعی، حق یک طرفه وجود ندارد، بویژه در جوامعی که براساس عدل و حکمت پایه ریزی شده اند که شاخصه آن، حکومت عدل اسلامی است. (معرفت، ۱۳۷۵: ۸۳)

ضعیف را حق و حاکمان را تکلیف برعهده می باشد. اگر زمامدار حقی دارد، تکلیف آن بردوش ضعیفان نیست. ضعیف نه توان مطالبه حق دارد و نه می تواند خود را اسقاط کند. دیگران هم نمی توانند حقش را اسقاط کنند. زمامداران برای احقاق حق آنها بر همگان تقدم و اولویت دارند، بلکه وجوب این کار بر آنها تعیین می یابد. (بهشتی، ۱۳۸۱: ۱۳۱)

در حالی که در نظام‌های استبدادی، حکام و زمامداران جور، هیچ‌گاه خود را در مقابل مردم مکلف به هیچ تکلیفی نمی‌دانند، زیرا که آنها هیچ حقی برای مردم قائل نیستند و تنها خود را محق بر مردم می‌دانند، در نتیجه هیچ‌گونه تعهدی را که لازمه تکلیف است بر عهده خود نمی‌پندارند.

اما از دیدگاه رهبران دینی و از جمله از نگاه امیرالمومنین حضرت علی (علیه السلام)، موضوع حق و تکلیف در یک حکومت دینی به گونه‌ای است که هیچ‌گاه موجب ایجاد توقع در صاحبان حق نمی‌شود. در حالی که حکومت بر امت، حق آن حضرت (ع) است. اما منصب حکومت را برخلاف دیگران یک نوع تکلیف و وظیفه می‌داند. در حالی که زمامداران قبل از ایشان معتقد بودند که خداوند «حق حکومت» را به آنان اعطا فرموده و در نتیجه هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را از این حق الهی محروم نماید. امام (ع) معتقد بودند که این نوع تفکر اشتباه و انحراف از تکلیفی است که خداوند بر عهده زمامداران گذاشته است زیرا که حق دانستن تکلیف برای زمامدار زمینه گمراهی و نهایتاً دست‌اندازی به بیت‌المال را فراهم ساخته و باعث فساد و تباهی در بدنه و سایر اجزای حکومت می‌شود.

نحوه برخورد امام علی (ع) با اموال (بیت‌المال)

چگونگی رفتار امام علی (ع) با اموال عمومی نشأت گرفته از همین نوع تفکری بود که اشاره شد. علی‌رغم اینکه خلیفه قبلی بدعت‌گذار روشی شد که می‌توانست به مرور و با گذشت زمان مبنا و معیار رفتار ایشان باشد و از این طریق نسبت به راضی نگهداشتن دیگران و تطمیع مخالفان اقدام و حکومت خود را استمرار بخشد، اما این نوع تفکر نتوانست امام (ع) را بفریبد و حتی در مقابل خواهش یاران نزدیکش

درخصوص چشم پوشی از برخی امتیازها آن هم به طور موقت برای برخی افراد صاحب نفوذ، به شدت برمی افروزد و آنها را از این نوع تفکر برحذر می‌دارد.

امام (ع) اموال عمومی را نزد کارگزاران دولت به عنوان یک امانت می‌دانست و اجازه نمی‌داد که آنان از این اموال چیزی را به کسی ببخشند و می‌فرمود: «بخشش حاکمان از بیت المال مسلمین، ستم و خیانت است». (الانصاری، حدیث ۴۷۲۵)

در تقسیم اموال عمومی نیز برای هیچ کس، حتی خود، فرزندان و یا برادرانش، امتیازی قائل نبود بلکه برعکس برای پندآموزی دیگران حساسیت ایشان نسبت به نزدیکانش بیشتر بود. قضیه عقیل برادر آن حضرت و درخواستی که از بیت المال داشت یکی از ماندگارترین قضایای تاریخ بشری است که به عنوان الگویی افتخارآمیز از یک رهبر دینی در اداره حکومتی پهناور برجای مانده است.

نکته دیگر درخصوص نگرش امام (ع) نسبت به امر خلافت و تمتعات ناشی از آن، موضوع هدیه و هبه می‌باشد. علی‌رغم اینکه بسیاری از افرادی که دریافت هدیه را یک سنت پسندیده می‌دانند و دادن آن را موجب تألیف قلوب، اما نگرش آن حضرت (ع) نسبت به این موضوع چیز دیگری است. ایشان معتقدند که باید بین انگیزه کسانی که هدیه می‌دهند فرق قائل شد، زیرا عده‌ای به انگیزه تعمیق دوستی و برادری بین مسلمانان دست به این عمل می‌زنند و این عمل بسیار پسندیده و نیکوست اما افرادی هم هستند که برای فریب کارگزاران حکومت و انحراف آنان از مسیر حق و عدل و در نتیجه برای حفظ منافع مادی و تثبیت موقعیت سیاسی خویش، دست به این عمل می‌زنند که در این صورت امام (ع) آن به زهرمار تشبیه می‌نمایند. که باید به شدت از آن دوری جست. (نهج البلاغه، نامه ۲۲۴)

حال که موضوع حق و تکلیف و ارتباط آن را با زمامداران از دیدگاه امام (ع) دانستیم، لازم است با اشاره به جایگاه و موقعیت کارگزاران حکومت از دیدگاه ایشان در تحلیل نهایی و ارائه طریق مورد استعانت قرار دهیم.

اهمیت جایگاه کارگزاران در حکومت اسلامی

«امر (دین) خدای سبحان را بر پا نتواند داشت، مگر کسی که ساز شکار نباشد، و همرنگ (فاسدان) نشود، و به دنبال طمع‌ها نرود.» (الحیاء، به نقل از کتاب نقد، ۵۶)

از نظر امام (ع) امر دین جز با اتکاء به افراد صالح و شایسته بر پا نخواهد شد. (نهج البلاغه، به نقل از کتاب نقد، ۶۰)

حتی از نظر ایشان اصلاح مردم نیز جز با اصلاح زمامداران حکومت امکان‌پذیر نخواهد بود. فساد و سوءاستفاده از موقعیت‌های شغلی، حیف و میل امکانات عمومی و بی‌اصالتی و بی‌هویتی ابتدا از کارگزاران حکومت سرچشمه می‌گیرد و آن‌گاه در عمق اجتماع تسری می‌یابد.

از دیدگاه امام (ع) و با توجه به اهمیت و جایگاه زمامدار و اینکه برای اداره جامعه اسلامی بایستی خردمندی و تعقل در رفتار و عملکرد وی حاکم باشد، بنابراین یکی از شرایط بسیار اساسی در تصمیم‌گیری‌ها، داشتن دانش و درایت در نزد زمامدار است که علاوه بر داشتن تقوی و دوری از امیال نفسانی، بایستی از دانایی بالایی نیز برخوردار باشد.

در عین حالی که زمامدار باید دانش و تقوای بالایی داشته باشد، ساده زیستن را در پیش گیرد و دنیا دوستی و روحیه اشرافی‌گری را از خود دور سازد زیرا این

خصلت‌ها باعث دور ساختن زمامدار از عدالت و در پیش گرفتن ظلم و ستم، خواهد شد.

نظم‌گرایی و رعایت انضباط مالی از طرف کارگزاران برای جلوگیری از حیف و میل بیت‌المال و استقرار قوانین و مقررات به جای هرج و مرج و بی‌قانونی از دیگر توصیه‌هایی است که امام (ع) به شدت بدان تأکید می‌نماید: «ای فرماندار اموالی که در دست توست، از آن خداوند است (اموال شخصی تو نیست) و تو نیز از خزانه‌داران او محسوب می‌شوی تا آن که اموال را سالم و بدون کم و کسر به من تسلیم نمایی.» سپس می‌فرماید: «ای زمامدار، شغل تو طریق و وسیله نان و آب تو نیست، یعنی نه همانند پیشه‌وران و صنعتگرانی و نه همانند بازرگانان که شغل و مسئولیت تو وسیله ارتزاق باشد، فکر نکنی که فرمانداری وسیله ارتزاق است، پس باید با آن نان درآورد. مأمور حکومت حق ندارد شغل خود را طعمه لقمه خود فرض کند. کار او هم ردیف و همانند کار انبیاء و روحانیون است. او مأمور حفظ نظم و انضباط است. او عامل سکون و آرامش است. او باید بیدار باشد تا دیگران بخوابند. او باید زحمت بکشد تا دیگران آسوده باشند. اموالی که در دست اوست، اموال خداست و او فقط امانتدار است. این بار سنگین را به گردن گرفته و باید با کمال امانت و درستی انجام وظیفه کند.» (نهج البلاغه، بخشی از نامه ۵۳)

وضعیت موجود در اقتصاد ایران

از آنچه که امروز اقتصاد ایران بدان مبتلاست، علاوه بر ضعف مدیریت صحیح اقتصادی، تغییر در نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که از انگیزه‌ها و دلایل قیام مردم برای احیای آنها بوده است. در حالی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از

اصول پذیرفته شده و بسیار مهم در نزد افکار عمومی پذیرش این موضوع است که مناصب سیاسی و اقتصادی به عنوان یک امانت توسط عده‌ای که لیاقت و شایستگی بر عهده گرفتن و پذیرفتن آن را دارند، می‌باشد در نتیجه هرگونه سوءاستفاده از این مناصب و موقعیت‌ها غیر قابل پذیرش است.

اما به مرور زمان و با تغییر تفکر حاکم بر افکار برخی از کارگزاران حکومت (به معنای عام) به اینکه رسیدن به مراتب و مناصب حکومتی موجب بروز حق شده و در نتیجه فرد شایستگی و لیاقت آن را دارد تا علاوه بر استفاده معقول و منطقی از بیت المال، تحت عناوین مختلف بهره و تمتع بیشتری از اموال عمومی به دست آورد.

این گونه تغییر در نگرش‌ها و باورها موجب ظهور و بروز موقعیت‌هایی گردید که بدون هیچ گونه معذوریتی و صرفاً براساس قرابت با برخی افراد منتصب به نظام، تصمیم‌گیری انقلاب را مخدوش و به بهانه رشد و توسعه اقتصادی و لزوم تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص، موجبات شکل‌گیری و رشد طبقه‌ای شد که به یکباره و بدون هیچ تلاش و کوشش چشمگیری، حساب‌های میلیاردی تشکیل داده و به عنوان قطب‌های جدید قدرت، مراکز تصمیم‌گیری سیاسی نظام را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

تغییر در این نوع تفکر و گرایش به رویکرد جدید را می‌توان در سفارش‌های امیرالمومنین حضرت علی (ع) جستجو نمود. آن گونه که قبلاً نیز اشاره شد: منصب حکومت در نزد عده‌ای به عنوان یک «حق» تعبیر و به دنبال آن هرگونه تلذذ و استفاده‌های خانوادگی نیز به عنوان تبعات ناشی از این حق پذیرفته شده است.

در حالی که از نظر حضرت امیر (ع) هرگونه مناصب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به عنوان یک تکلیف از جانب خداوند متعال بر عهده اشخاص مختلف به ودیعت نهاده تا در جهت خدمت به خلق قرار گیرد ولیکن تغییر نگرش و نگاه

کارگزاران حکومت در دهه‌های دوم و سوم انقلاب به مناصب مختلف به عنوان یک ابزار ارتزاق، به طور ناخواسته فضایی را ایجاد نمود که در آن فضا، رانت خواری سربرافراشته و ضعف سیستم نظارتی نیز مزید بر علت گشته تا در غیاب نهادهای نظارتی عملکرد افراد و سازمان‌ها به درستی مورد ارزیابی قرار نگیرد. احزاب و مطبوعات نیز از رسالت خود دور مانده و عملاً فرصت‌های بی‌شماری برای اشخاص فرصت طلب فراهم گردد.

در حالی که از نظر اخلاقی جوامع شرقی و از جمله کشورمان به سبب دارا بودن ویژگی‌های مذهبی و دینی بایستی از این نظر از جوامع غربی و صنعتی بسیار کارا تر باشند و افراد به طور درونی در جهت اصلاح امور اقدام نمایند و در نتیجه اعتماد به افراد مبنای مسئولیت‌پذیری قرار گیرد اما در عمل این ویژگی نیز نتیجه مثبتی دربر نداشته و تحت شعار آزادسازی اقتصادی، عنان اختیار مهم‌ترین بخش‌های تصمیم‌گیری در اختیار فرصت‌طلبانی قرار گرفت که فضای موجود را برای تاخت و تاز خود مهیا دیده و در نتیجه اقتصاد ایران در چنبره رانت خواری قرار گرفته و به دنبال آن مسائل اجتماعی و فرهنگی نیز تحت تأثیر آثار سوء این پدیده ناخوشایند و زشت از مسیر طبیعی خود خارج و مشکلات عدیده‌ای را بر نظام سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تحمیل نموده است. بدیهی است درمان این ناهنجاریها نیز فشار سنگینی را بر منابع محدود کشور وارد کرده و عملاً تحقق اهداف الهی و انسانی وعده داده شده به مردم (مطالبات بحق) با موانع بی‌شماری مواجه خواهد شد.

جمع‌بندی و ارائه راهکارهای پیشنهادی

با توجه به مطالب مورد اشاره در صفحات قبل بنا به دلایل گفته شده درخصوص پدیده رانت خواری و فساد اقتصادی که دلیل عمده و اساسی آن متوجه نوع نگرش و رویکرد کارگزارانی است که با قائل شدن به حق تمتع و بهره‌جویی از مناصب در اختیار به واسطه عدم اعتقاد به تکلیف و تعهدی که در یک نظام اسلامی متوجه متولیان امور می‌باشد، رهنمودهای هدایت‌گرانه حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) را به عنوان سخنان راهگشا مطرح و عنوان گردید که آن حضرت (ع) منصب حکومت را نه به عنوان یک ابزار تلذذجویی بلکه به عنوان یک تکلیف الهی در جهت خدمت به بندگان خدا و جلب رضایت الهی پنداشته و برای تحقق این امر تمام سعی و تلاش خود را در این راه صرف می‌نمود به گونه‌ای که حتی به مرحله ریاضت نیز می‌رسید.

از نگاه علی (ع) اگر بنا باشد که از عناوین سوءاستفاده به عمل نیاید و خالص عمل شود معلوم می‌گردد که به دست‌گیری حکومت و انجام امور جامعه نه به عنوان حق بلکه به عنوان یک تکلیف مطرح می‌باشد. طبیعی است که شرایط تکلیف هم از شرایط حق متفاوت است. ولی اگر بنا شود از وظیفه و تکلیف سوءاستفاده نامشروع شود آن گاه می‌توان هر تکلیفی را به غلط عنوان حق گذاشت و در چپاول و غارت بیت‌المال از هیچ کوششی دریغ نورزید.

در خاتمه راهکارهای پیشنهادی را به شرح زیر می‌توان مطرح ساخت:

۱- فرهنگ‌سازی و تغییر باورهای موجود درخصوص چگونگی انتفاع کارگزاران نظام از موقعیت‌های موجود به سوی نگرشی که در آن هر کسی مسئولیت سنگین‌تری دارد، می‌بایستی سختی بیشتری را در زندگی خصوصی متحمل شود، زیرا که اساس

خدمت در اسلام بر مبنای وظیفه و تکلیف بوده و به همین سبب پذیرفتن مسئولیت مستلزم داشتن «حق» نیست.

۲- اصلاح و شفاف سازی قوانین و مقررات مالی و اقتصادی و توجه به آثار و پیامدهای زیانبار ناشی از تعدد در قوانین و مقررات.

۳- الزام نهادها و دستگاه‌های مختلف دولتی به انتشار اطلاعات و در معرض افکار عمومی قرار دادن آنها.

۴- استقرار نظام نظارتی کارآمد از طریق تقویت نهادهای رسمی و غیررسمی.

۵- قانون مند نمودن اختیارات و مسئولیت‌ها و پای بند نمودن مدیران به اجرای قانون و رعایت انضباط مالی.

۶- شایسته سالاری و انتصاب مدیران بر مبنای شایستگی و توانایی فردی و همین طور الزام آنان به پاسخگویی در مقابل مطالبات بحق مردم.

یادداشتها:

۱- در تدوین این بخش از مقاله «رانت، زاییده انحصار» که توسط اداره کل تحقیق و توسعه صدای جمهوری اسلامی ایران به انجام رسیده، استفاده شده است.

۲- این اصطلاح برای کسانی اطلاق می‌گردد که علی‌رغم فقدان شایستگی و استعداد لازم در جهت احراز مناصب سیاسی، صرفاً از روی رابطه و ارتباطات غیر رسمی به مشاغل مهم دست می‌یابند.

۳- البته با تدابیر دولت هشتم، قیمت ارز یکسان و امکان سوء استفاده به حداقل رسیده است، اما آثار و تبعات ناشی از سوء استفاده های کلان با استفاده از انواع سهمیه های ارزی، موجب شکل گیری کانون های قدرتی شده است که هم اکنون نیز بخشهای مختلف اقتصادی بویژه بخش تجارت از آن تأثیر می پذیرد.

منابع:

غررالْحکْم و در الکلام، ترجمه محمد علی الانصاری. بی تاریخ، بی ناشر.

نهج البلاغه. اما علی (ع) ترجمه سید جعفر شهیدی.

نهج البلاغه، ۶۸۳، به نقل از کتاب نقد، شماره ۱۶، مقاله اصلاحات شفاف، ص ۶۰.

اجتهادی، ابوالقاسم (۱۳۶۳). وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره اموی. تهران: انتشارات سروش.

بهشتی، احمد، امام علی (ع)، حق و تکلیف، ص ۱۳۱.

الحیة ۳۶۷/۵، ترجمه فارسی، به نقل از کتاب نقد شماره ۱۶، اصلاحات شفاف، ص ۵۶.

دانشنامه امام علی (ع)، جلد هفتم، اقتصاد، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰.

دورانت، ویل (۱۳۶۸). تاریخ تمدن. ترجمه بدره‌ای و دیگران. سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

ذاکری، علی اکبر (۱۳۷۱). سیمای کارگزاران علی ابن ابی طالب امیر المومنین (ع). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

رشوه پدیده شوم اجتماعی. واحد مطالعات و تحقیقات اسلامی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۵.

شهیدی، سیدجعفر (۱۳۸۰). ترجمه نهج البلاغه.

فساد سیاسی، رهیافت‌ها و راهکارها در جمهوری اسلامی. پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.

کتاب نقد، شماره‌های ۱۶ و ۱۸، پاییز ۱۳۷۰.

مجموعه مقالات دومین همایش علمی و پژوهشی نظارت و بازرسی در کشور. سازمان بازرسی کل کشور و دانشکده مدیریت دانشگاه تهران. ۱۳۸۰.

معرفت، محمدهادی، (۱۳۷۵). امام علی (ع) و حقوق متقابل مردم و حکومت.

میرجلیلی، علی محمد، علی (ع) و زمامداران. قم: انتشارات عصر ظهور.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی